

پیرامون برخی واژه ها

۱ - صلح

درین اواخر واژه صلح درکشور ما به ترجیح بند همسرایان استعمار مبدل گردیده است . مردم ما از جنگ های طولانی و « استخوان شکن » درد عظیم دیده اند ، اینان در کمال مظلومیت وزیر نام کمک های برادرانه ، شاهد تباهی هستی مادی و معنوی شان هستند بدین لحاظ صرف نظر از اهداف جنگ در تفکر آنان نفرت از جنگ به حیث عکس العمل در برابر وضع موجود تبارز روشن و بارز یافته و صلح را نوشداروی التیام زخم های خود میدانند.

این وضعیت (صلح بمثابه خواست همه گانی) موجب گردیده است تا استثمارگران ، جنگ طلبان و غاصبین حقوق و آزادی های مردم برای نیل به اهداف و عزایم ناروای خویش از آن بهره برداری نمایند. اینان به درستی درک نموده اند که حتی مخالفت اصولی با اقدامات فریبنده زیر نام صلح نیز حساسیت و عکس العمل های احساساتی و جدی مردمی را درقبال دارد ، چنین است که آنان فرصت می یابند تا هر معامله را صلح نامگذاری نمایند و احساسات و عواطف مردم را بر علیه خود شان مورد استفاده قرار دهند .

مسئله صلح با طالبان نیز نمونه روشن همین خدعه است . «صلحی» که درین فورمولبندی مطرح است در برابر جنگ عنوان میشود (در واقع آتش بس) . و از مجموعه بی تدابیری که برای آن مدنظر است بر میآید که به معامله ی می انجامد که قبل بر همه راه را برای تقسیم قدرت در میان « نیروی خودی » به ضرر مردم ، در غیاب مردم و بنام مردم هموار میسازد.

صلح وضعی نیست که در نتیجه توازن قدرت ، آتش بس و معامله گری چنان فضای را بوجود آورد که در بین حمایت و دفاع از حقوق و آزادی های تعریف شده و قبول شده در سطح جهانی و کفر و بدعت و گمراهی علامه تساوی بگذارد.

«صلحی» که با ساینس ، تکنالوژی و تمام مظاهر ترقی و پیشرفت اعلان جهاد نماید.

«صلحی» که دولت و دولتمدار های وابسته به استخبارات خارجی («برادران» آدمکش) را به اریکه قدرت بنشانند و به حیث ناجیان ملت تقدیس کند.

«صلحی» که به جای پیشرفت و ترقی فرمان عقب گرد دهد نمیتواند به جز از خدعه و فریب عامه مردم معنی داشته باشد ..

به نظر ما صلح پروسه هدفمند و کثیر الابعاد است که از مراحل مختلف میگذرد و در شرایط کشور ما ناکزیر از آتش بس شروع میشود. ولی از همان آغاز بر خصلت پیشرونده و مجموع شرایطی که این خصلت را تضمین میکند متکی ست که از آنجمله بر قبول ورعایت حقوق و آزادی های فردی، رعایت قانون ، تساوی حقوقی مرد وزن ، رعایت و التزام به معاهدات و میثاقهای معتبر بین المللی معطوف به حقوق بشر و همزیستی متقابلاً مفید ، تعهد در برابر عدالت ، ترقی و دموکراسی استوار باشد .

ما اشتراک طالبان و احزاب گوناگون مذهبی و غیر مذهبی ، بنیادگرا و معتدل ، چپ و راست را درپروسه صلح و متکی بر یک آجندای توافق شده ملی نه تنها استقبال مینمایم ، بلکه آنرا ضرورت تاریخی مرحله کنونی زنده گی سیاسی کشور ارزیابی میداریم و تأکید میورزیم که « صلح » در میان گروه های بنیاد گرا و افراطی که مشخصه آنرا معیار های ایدیولوژیک تشکیل دهد ، حتی اگر به آتش بس هم بیاتجامد با توجه به خصلت ضد ترقی و خود محور آن ، تنها میتواند معامله ای ناپایداری باشد که جنگ دیگری را در بطن خود می پروراند.

ما صلح را برای صلح نی ، بلکه برای عدالت و ترقی میخواهیم، برای آنکه به مردم ما مصونیت و امنیت بیاورد . راه مکتب و مدرسه را بروی کودکان ما بکشاید ، زمینه ی باشد برای جوشش طبیعی ملت افغان تضمین اراده آزاد، استقلال و تمامیت ارضی کشور ما را در قبال داشته باشد .

ما از چنین صلحی حمایت میکنیم و برای تحقق آن می رزمیم .